

تاکتیک سلامتی  
هسته مرکزی  
تفکر راهبردی  
اسرائیل است.  
براساس چنین  
تفکری، امنیت  
ملی صرفاً از  
طریق جنگ‌های  
پیش‌دستانه  
حاصل می‌شود.  
ابزار لازم برای به  
کارگیری تاکتیک  
سلامتی را باید  
«بهانه جویی  
امنیتی» دانست.  
اسرائیل می‌کوشد  
تا امنیت خود را  
به قیمت نادیده  
گرفتن امنیت  
سایر بازیگران  
تأمین کند.

ما در ایران مثل بسیاری از کشورها دکترین یا گزارش «امنیت ملی»  
مکتوب نداریم که بتوانیم به آن استناد کنیم، منتها وقتی گفته‌های  
مسئولان را نگاه می‌کنیم، ضرب‌آهنگ جملات آن‌ها بازدارندگی  
است. ارزیابی شما از اینکه مسئولان ما تا چه اندازه درک روشنی از  
مفهوم بازدارندگی دارند، چیست؟ تا چه اندازه توانسته‌ایم این ایده  
را محقق کنیم و وضعیت بازدارنده را در مقابل اسرائیل تثبیت کنیم؟  
صورت اساسی‌تر این پرسش‌ها این است که این راهبرد چقدر در  
وضعیت کنونی مطلوب است؟

بازدارندگی یک مفهوم کاملاً راهبردی است. اولین بار مفهوم بازدارندگی در ارتباط با  
سلاح‌های هسته‌ای به کار گرفته شد. وقتی که اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۳  
توانست اولین آزمایش هسته‌ای خودش را به انجام برساند، مفهوم بازدارندگی مطرح  
شد. این مفهوم بیان‌کننده این است که قدرت متوازن بین کشورهای رقیب پیدا  
می‌شود و می‌تواند زمینه لازم برای صلح و تعادل را به وجود بیاورد. بخش قابل توجهی  
از رویکرد نورئالیست‌های روابط بین‌الملل و رئالیست‌های ساختاری مبتنی بر  
ساختار متوازن است؛ یعنی اینکه فضای امنیت منطقه‌ای در وضعیتی حاصل  
می‌شود که ساختار در وضعیت تعادل قرار بگیرد. اگر مفهوم تعادل حاصل نشود، در  
آن وضعیت، توازن یک مفهوم کاملاً بی‌ثبات و تغییر‌یابنده خواهد داشت.

نکته مهم این است که ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در وضعیت  
تعادل و توازن دچار مشکل بوده است. به‌طور کلی، نگاه آمریکا و حتی سایر قدرت‌های  
بزرگ این است که ایران باید در وضعیت موازنه ضعیف قرار داشته باشد؛ یعنی قدرت  
ایران در مقایسه با سایر بازیگران کاهش پیدا کند. اسرائیل به‌عنوان بازیگر جنگ  
نیابتی ایالات متحده در محیط منطقه‌ای غرب آسیا ایفای نقش می‌کند. عراق در  
دهه ۱۹۸۰ درصد بود تا نقش بازیگر جنگ نیابتی آمریکا علیه ایران را ایفا کند، اما  
پیچیده شدن معادله سیاست و قدرت در محیط منطقه‌ای به رویارویی مستقیم  
ایران و اسرائیل در رقابت‌های امنیت منطقه‌ای منجر شد.

شناخت الگوهای کنش رفتاری ایران و اسرائیل به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، تابعی از  
معادله قدرت و رقابت بازیگران منطقه‌ای خواهد بود. حمایت آمریکا از اسرائیل و  
ائتلاف‌های ایجاد شده در روابط کشورهای جهان عرب با اسرائیل را می‌توان از جمله  
عوامل تأثیرگذار بر موازنه قدرت و موازنه تهدید منطقه‌ای دانست. آمریکا درصدد برآمد  
تا سیاست‌های تهاجمی جدیدی را علیه ایران به کار گیرد. سیاست منطقه‌ای ایران را  
می‌توان نمادی از معادله قدرت در فضای رقابت‌های محیطی دانست.

مقابله با تهدیدات اسرائیل بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایران است. روند موجود  
در سیاست امنیتی ایران به «سازماندهی جبهه مقاومت» معطوف است. اسرائیل  
در کنشگری منطقه‌ای نظام سلطه نقش محوری دارد؛ به همین دلیل، لازم است در  
ارتباط با نوع تهدیدات و فرایند تحول تهدید اسرائیل شناخت دقیقی ایجاد شود.